

فرزندان چهره‌های صدر اسلام چه نقشی در فجاج ایفا کردند؟

# آقازاده‌های منحرف

- حسن طاهری

کوتاه ۴ساله حکومت علوی، شیرینی عدالت و زهد پیامبر راچشید اما تلخی فتنه و نیرنگ و زهر حيله و مکر پی در پی، در جام تقدیر حق نشانده شد تا فرق عدالت را در محراب شکافت، و این شد که گذشت‌زمان، ۳نفر از مهم‌ترین رانت‌خواران و سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال اسلام را در حادثه‌ای خون‌رنگ گرد آورده که فجیع‌ترین صحنه‌ها را در فلق خونرنگ عاشورا خلق کردند: «یزیدبن معاویه بن ابوسفیان»، «عبیدالله بن زیاد بن ابیه» و «عمر بن سعد بن ابی وقاص».

شاید بهتر آن باشد برای شناخت بیشتر، با زندگی هر یک از اینان آشنا شویم.

■ **یزیدبن معاویه**

یزید فرزند معاویه است. معاویه فرزند ابوسفیان، یکی از دشمنان سرسخت پیامبر (ص) و همچنین پسر هند جگرخوار است. مادرش از «ذوات الاعلام»<sup>(۱)</sup> مکه و از فواخش معروف بود. پدرش از کسانی بود که در فتح مکه و با شمشیر، اسلام آورد. پیامبر آنان را «طلقا» یعنی آزادشدگان نامید. معاویه در آغاز از کتاب (نویسندگان) وحی شد و در دوران خلیفه دوم به فرمانداری شام منصوب شد و برای خود دستگاهی عظیم، همچون شاهان ایران و روم بنا نهاد. زندگی‌اش در اسراف و تجمل و تشریفات نمونه‌ای تمام عیار بود. یزید از زن او «ثمینون» دختر تجدل کلبی است. «ثمینون» با غلام پدرش زنا کرد و از او یزید را حمله شد. از همین رو شاعران عرب به یزید، «عبد کلب» نیز گفته‌اند. در خوردن شراب، سگ‌بازی، میمون‌بازی، زنا و شعرگوئی استاد تمام بود. عبدالله حنظله درباره یزید گفته است: «یزید مردی است که بسا مادران و دختران و خواهران خود نزدیکی و جماع می‌کند و شراب می‌نوشد و نماز نمی‌خواند.»<sup>(۲)</sup> او یزینه خبیث و زشتی به نام «یوقییس» داشت که او را در کنار خود می‌نشاند. گورخری نیز داشت که به پالان جواهرنشان مزین بود. از پیامبر درباره‌اش حدیثی وارد شده که فرمود: «خستین کسی که سنت مرا تغییر می‌دهد، مردی از بنی‌امیه است که به او یزید می‌گویند.» او ۲ سال و ۹ ماه پس از معاویه خلافت کرد و در نخستین ماه‌های آن، فرزند پیامبر را به شهادت رساند. در سال سوم خلافت، به دستور او، به مسجدالنبی (ص) و قبر پیامبر حمله کرده و مردم را در کنار حرم پیامبر سر بریدند. لشکر او در مدینه ۱۰ هزار نفر را کشت و به زنان و دختران مدینه تجاوز کردند. مدائنی می‌گوید «بعد از واقعه مدینه، هزار زن بی‌شوهر، فرزند زنا متولد کردند» در همان سال به بهانه دفع فتنه عبدالله بن زبیر - یکی دیگر از آقازادگان مسلم - کعبه را به آتش کشیده و ویران کرد. سرانجام این آقازاده رانت‌خوار و حرام‌خوار، سال ۶۴ هجری به مرض «ذات الجنب» (بیماری جنسی) در ۳۷سالگی در حوران مُرد.<sup>(۳)</sup>

■ **عبیدالله بن زیاد**

عبیدالله فرزند زیاد بن ابیه است. پدرش از نسب و فامیل به «سمیه» که او نیز از فواخش بود، بازمی‌گردد. تا سال‌های سال هیچ کسی نمی‌دانست زیاد (پدر عبیدالله) از پدر به چه کسی می‌رسید. معاویه برای پاداش او به خاطر ضربه زدن به حکومت علی (ع)، او را به ابوسفیان منسوب کرد. در حالی که این حدیث پیامبر (ص) مبنی بر اینکه «ولاد به خانه پدرش منسوب می‌شود و زناکار باید سنگسار شود»<sup>(۴)</sup> را بخوبی می‌دانست. از همین رو به «یاد بن ابیه» معروف شد یعنی «پسر اضافه شده به پدرش» که در دوران حاکمیت حضرت امیر(ع) نقشه‌ها و رشوه‌های معاویه او را به شام کشاند. عبدالله در تمام دوران تصدی حکومت پدرش بر ولایات در جای جای سرزمین‌های اسلامی، در کنار او بود. زیاد نخستین کسی بود که چشم شیعیان را کوک کرد و شکنجه داد. چرا که او شیعیان عراق را خوب می‌شناخت و نخستین کسی است که محبان علی را زنده به گور کرد و لعن و نفرین بن علی(ع) را در عراق واجب کرد. همسر زیاد، مرجانه بود که او نیز از فواخش معروف بوده است. دوران عثمان بن عفان، عبیدالله از مرجانه متولد شد. عبدالله در سال ۶۱ هجری ۳۲ ساله بود. جوانی بود مشروب‌خوار و عیاش. در ۲۵ سالگی از سوی معاویه به حکومت خراسان منصوب شد، فقط به این علت که فرزند زیاد بود. در ۲۷ سالگی حاکم بصره شد. او کسی بود که مانع قیام سیدالشهدا (ش) و تمام جریان قیام را با شنناخت دقیق او سرکوب کرد. معاویه آن هم در اوج قساوت و حيله‌گری به نفع یزید به پایان رساند. سال ۶۷ هجری مختار ثقفی او را دستگیر کرد و گردنش را زد.<sup>(۵)</sup>

■ **عمر بن سعد**

عمر پسر سعدبن ابی وقاص از سرداران سپاه اسلام است. پدرش از صحابی پیامبر(ص) بود که در دوران خلیفه دوم، مسؤولیت سپاه اسلام برای حمله به ایران و فتح قلدسیه را برعهده داشت. عمر در مدینه و در دوران پیامبر متولد شد. همبازی حسین بن علی، نخستین در کودکی بود. با ثروت اندوزی پدرش در دوران فتح ایران، تبدیل به یک اشرافزاده شد. او غرق در ناز و نعمت بود و از کسانی است که در فتح عراق هم در کنار پدرش بوده. او عامل شهادت «حجر بن عدی» از یاران صدیق علی(ع) بود، از آن جهت که او به فتنه‌گری «حجر» شهادت و گواهی داد. پیش از واقعه عاشورا، از سوی یزید حکم صدارت او را استناد ری امضا شد اما طی نامه‌ای دیگر از سوی این زیاد که نفوذی فراوان بر یزید داشت، او را به کربلا فرستاد تا جلوی حسین بن علی(ع) را بگیرد و این کار را شرط صدارت و حاکمیت او برری قرار داد. عمر سعد فجیع‌ترین صحنه‌ها و حادثه‌ها را فقط برای دستیابی به حکومت «ری» انجام داد. در روز عاشورا حسین بن علی(ع) به او فرمود: «هیدوارم از گندم ری نخوری!» او با تمسخر گفت: «اگر از گندمش نخورم، جو آن برام کافی است». پس از شهادت حضرت، عمر سعد دستور داد بر جنازه حسین بن علی(ع) اسب تاختند و اهل بیت (ع) را به اسارت بر برند. در قیام مختار به کوفه گریخت و سپس به بصره رفت. به دستور مختار گردنش را زدند.<sup>(۶)</sup>

او از مشهورترین آقازادگان مفسد بود. آنچه‌ا از زندگی این آقازاده‌ها و آقازاده مفسد یافت می‌شود، چیزی جز سیاهی و تباهی و فساد و ابتذال نیست که به واسطه مال‌های حرام و مادران ناپاک و پدران اسرافکار و جاهطلب و سوءاستفاده‌کننده از قدرت و بیت‌المال، به فرزندان و آقازادگان مفسدی تبدیل شده بودند

تلاش

شنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۵



گرایش‌های آن افراد را به خواص جامعه یعنی پدرانشان منتقل می‌کنند. در گذشته این کار بدون واسطه‌گری آقازادگان مفسد و بیشتر توسط خاندان و کنیزان انجام می‌گرفت.

۷-فعالیت‌های اقتصادی آقازادگان مفسد، آغاز حرکت آنهاست. تیم و باند آنان که عموماً در دفاتر پدران شکل می‌گیرند، فعالیت‌های فرهنگی، هنری و عام‌المنفعه را به‌عنوان پوشش‌های خود برمی‌گزینند، اما در بسیاری از حرکت‌های سیاسی نظیر انتخابات، این عناصر به ظاهر خدمتگزار و موجد(!) پیوند قدرت و ثروت را نمایان و از زیر پوسته‌های پوششی خود، چهره زشت و کریه خود را آشکار می‌کنند. فرستادن نمایندگان مورد نظر خود به مجلس با اعمال فشار و تزریق کمک‌های میلیاردی به دفاتر تبلیغاتی آنان، شایعه‌سازی و تخریب رقیبا با حمایت مالی از روزنامه‌های زنجیره‌ای در اختیار، تحمیل فهرست مدیران نالایق و اجبر شده به سیست‌های اجرایی و تعیین وزیر یا حتی رئیس‌جمهور، تنها موارد کوچکی از صدها توطئه و نیرنگ آقازادگان مفسد در زمانه کنونی است.

۸- رفاه‌زدگی و تشریفات و تجمل؛ خصوصیت و ویژگی همه آقازادگان مفسد است که در تعدد منزل، ماشین، منصب‌ها و زوجات زیبارو خلاصه نمی‌شود. بزرگ شدن آنها در ناز و نعمت ناشی از ثروت و قدرت پدران و همچنین شرایط زندگی برتر آنان در همه زمینه‌ها، از آنان انسان‌هایی افزون‌خواه و زیاده‌طلب می‌سازد، به گونه‌ای که به هیچ چیز - چه در قدرت و چه در ثروت - قانع نیستند.

۹- رفتار متکبرانه و سراسر غرور آقازادگان مفسد - که گویا آسمان شکافته شده و از میان ابرها بر زمین افتاده‌اند(!) - ناشی از زیست انگلی آقازادگان مفسد است، چرا که آقازادگان مفسد نه به واسطه صلاحیت‌ها و لیاقت‌های شخصی خود، بلکه به واسطه شخصیت و جایگاه پدران، در جامعه رشد یافته و شناخته شده‌اند، از همین رو ارتقا و فساد را به بهانه «سناهل و تسامح» و «تلورانس» و «روماداری» ترویج دادند. چه کسانی کتاب‌های دشمنان خدا و توهین‌کنندگان به اهل بیست(ع) را پیش‌خرد کردند؛ آن‌هم در تیرازهای ده‌ها هزاری؟ چه کسانی در برج‌سازی و انبوسازی و بالا و پایین‌کشاندن قیمت کالا‌های مورد نیاز جامعه نقش اصلی را داشتند؟ چه کسانی از ناکارآمدی اسلام و فقه در اداره جامعه‌دم زدند و خواهان ورود تکنوکرات‌ها و سکولارها و لیبرال‌ها در سطوح مدیریتی شدند؟ چه کسانی فرهنگسراها و هنر کده‌ها را در برابر مساجد و حسینیه‌ها برپا کردند تا آنچه را که به واسطه انقلاب ضرارزش شده بود، در میان جامعه به‌عنوان ارزش معرفی کنند؟ چه کسانی سیره امام و شهدا را «فسیل شده» برشردند؟ و صدها پرسش سرشار از سوز و داغ که پاسخ آن چون روز آشکار و روشن است. در میان این پرسش‌های جانسوز است که آقازادگان مفسد با همان عمر سعدهای انقلاب آشکارتر می‌شود.

تأثیر ثروت‌های حرام در نحوه شکل‌گیری شخصیت آقازادگان مفسد در جامعه در کنار دیگر عوامل، از آنها عناصری تهدیدکننده و مصیبت‌آر و توطئه‌گر ساخته و توانایی خلق فاجعه‌ها و بحران‌های خطرناکی را به آنان می‌بخشد. مجموعه این عوامل و مراحل که جزء-جزء زندگی آقازادگان مفسد را شکل می‌بخشد، به این ترتیب است:

۱- سطح پایین سواد و مطالعه و آگاهی و نداشتن بینش کافی و تحلیل عمیق آقازادگان مفسد، باعث فریب خوردن و شکار آنان می‌شود. بر این اساس طعمه و سوزه اصلی بسیاری از بحران‌ها و فتنه‌ها می‌شوند.
۲- به‌تاه تمحصیل در مراکز خصوصی، غیرانتفاعی و عموماً خارج از کشور، آن‌هم بسا پول‌های شبههناک و بهره‌مندی از بیت‌المال، آقازادگان مفسد به عناصری غریبه و ناآشنا با مشکلات جامعه و مردم تبدیل می‌شوند. بویژه اینکه در این عرصه و دوران، پیش از آنکه با پلرهنگان جامعه‌مد‌خور و همراه باشند، با قشر رفاه‌زده، پولدار، سرمایه‌دار و متمکنین جامعه رشد و پرورش می‌ی‌لند.
۳- به علت مشغله‌های فراوان پدران، تربیت بسیاری از آنان متأثر از آموزش‌ها و تربیت‌های اطرافیان و نزدیکان می‌شود؛ اطرافیان و نزدیکان جاهلوس و متملقی که در بیشتر زندگی بزرگان و خواص جامعه، حوادث تلخی را می‌آفرینند.
۴- آلوده‌شدن آقازادگان مفسد در فعالیت‌های اقتصادی سودآور، به دلیل بهره‌مندی آنان از آخرین اطلاعات تغییر و تحولات اقتصادی و آگاهی یافتن از مصوبات و تصمیمات کارگزاران حکومت در جزئی‌ترین امور و فریه شدن آنان از ثروت‌های حرام.
۵- زد و بند با گروه‌های مافیایی و مشترک‌شدن اهداف آنها با آقازادگان مفسد در جمع‌آوری ثروت و سود بیشتر و تبدیل آنها به عنوان رابط اخبار مجرمانه اقتصادی و سیاسی برای باندهای مافیایی و همچنین دلالی‌های گوناگون، نظیر خبرسانی و تأمین و تبدیل شدن آقازادگان مفسد به پل‌های ارتباطی پدران خود با دیگر گروه‌ها، باندها، حزب‌ها و قرار گرفتن آنها به‌عنوان فیلترها و واسطه‌هایی که خواسته‌های افراد و سلايق اشخاص را بر مبنای خواست و سلیقه پدرانشان تعدیل و سپس تفکرات و

اسلامی طی ۲ دهه اخیر نگاهی داشته باشیم خواهیم یافت که چه کسانی کارخانه‌های مصادره شده طاغوتی و سهام‌های مردمی را در سبای خصوصی‌سازی بلعیدند و با آن بانک‌های شخصی و خصوصی تأسیس کردند؛ چه کسانی از بیت‌المال ویلاهای مجلل به همسران خود هدیه دادند و برای جشن تولد فرزندانشان از اموال عمومی کادوها و هدایای گرانبه‌قیمت خریدند. چه کسانی چون شتری مست به خزانه مسلمین هجوم آوردند. چه کسانی در هنگامه آتش و خون و جنگ در سوراخ‌ها خزیدند و فرزندان و نزدیکان خود را برای دور ماندن از معرکه جهاد به کالج‌ها و آموزشگاه‌های آمریکا و اروپا فرستادند؛ حال آنکه فرزندان خمینی در زیر باران آتش و گلوله تکه پاره می‌شدند.چه کسانی در عرصه‌ها و آزمون‌های اجتماعی بر آن بودند تا با ریخت و پاش‌ها و تزریق کمک‌های میلیاردی، به نام مردم تصمیم بگیرند. چه کسانی با له‌کردن و زیر پا گذاشتن حقوق محرومان و پلرهنگان، خود را وارث به حق حکومت می‌دانستند. چه کسانی در صحنه‌های انتخاباتی و عرصه‌های سیاسی اشک تمساح می‌ریختند و در نهان با دشمنان خدا و انقلاب، نرد عشق می‌بخشیدند. چه کسانی سفره‌های رنگارنگ و متنوع - که محرومان از شمردن غذاهای آن نیز درم‌انده خواهند بود- گسترانیدند؟ چه کسانی از پسر دایی و پسرخاله و پسرعمو و عمه و هم‌کلاسی و هم‌محل‌های گرفته تا پوسنرچسبان و آبدارچی حزب را در وزارتخانه‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ شرایطی و صلاحیتی استخدام کردند. چه کسانی به فضای اختناق و پلیسی برای ساختن ایران به‌عنوان جزیره ثبات و آرام اقتصادی و پرکردن کیسه‌هایشان نیاز داشتند. چه کسانی به نام توسعه و اصلاحات، تا ۷ نسل بعد از خود را با بیت‌المال بی‌نیاز کردند و در حساب‌های خارجی، ارقام میلیاردی و نجومی باز کردند. چه کسانی به بهانه «استفاده مشروع از دنیا» بر خانه‌ها و عمارت‌های طاغوتی و به بهانه «حفظ عزت اسلام» در کاخ نشستند؟ چه کسانی اباحه‌گری و لاقیدی و بی‌بند و باری و فساد را به بهانه «سناهل و تسامح» و «تلورانس» و «روماداری» ترویج دادند. چه کسانی کتاب‌های دشمنان خدا و توهین‌کنندگان به اهل بیست(ع) را پیش‌خرد کردند؛ آن‌هم در تیرازهای ده‌ها هزاری؟ چه کسانی در برج‌سازی و انبوسازی و بالا و پایین‌کشاندن قیمت کالا‌های مورد نیاز جامعه نقش اصلی را داشتند؟ چه کسانی از ناکارآمدی اسلام و فقه در اداره جامعه‌دم زدند و خواهان ورود تکنوکرات‌ها و سکولارها و لیبرال‌ها در سطوح مدیریتی شدند؟ چه کسانی فرهنگسراها و هنر کده‌ها را در برابر مساجد و حسینیه‌ها برپا کردند تا آنچه را که به واسطه انقلاب ضرارزش شده بود، در میان جامعه به‌عنوان ارزش معرفی کنند؟ چه کسانی سیره امام و شهدا را «فسیل شده» برشردند؟ و صدها پرسش سرشار از سوز و داغ که پاسخ آن چون روز آشکار و روشن است. در میان این پرسش‌های جانسوز است که آقازادگان مفسد با همان عمر سعدهای انقلاب آشکارتر می‌شود.

تأثیر ثروت‌های حرام در نحوه شکل‌گیری شخصیت آقازادگان مفسد در جامعه در کنار دیگر عوامل، از آنها عناصری تهدیدکننده و مصیبت‌آر و توطئه‌گر ساخته و توانایی خلق فاجعه‌ها و بحران‌های خطرناکی را به آنان می‌بخشد. مجموعه این عوامل و مراحل که جزء-جزء زندگی آقازادگان مفسد را شکل می‌بخشد، به این ترتیب است:

۱- سطح پایین سواد و مطالعه و آگاهی و نداشتن بینش کافی و تحلیل عمیق آقازادگان مفسد، باعث فریب خوردن و شکار آنان می‌شود. بر این اساس طعمه و سوزه اصلی بسیاری از بحران‌ها و فتنه‌ها می‌شوند.
۲- به‌تاه تمحصیل در مراکز خصوصی، غیرانتفاعی و عموماً خارج از کشور، آن‌هم بسا پول‌های شبههناک و بهره‌مندی از بیت‌المال، آقازادگان مفسد به عناصری غریبه و ناآشنا با مشکلات جامعه و مردم تبدیل می‌شوند. بویژه اینکه در این عرصه و دوران، پیش از آنکه با پلرهنگان جامعه‌مد‌خور و همراه باشند، با قشر رفاه‌زده، پولدار، سرمایه‌دار و متمکنین جامعه رشد و پرورش می‌ی‌لند.
۳- به علت مشغله‌های فراوان پدران، تربیت بسیاری از آنان متأثر از آموزش‌ها و تربیت‌های اطرافیان و نزدیکان می‌شود؛ اطرافیان و نزدیکان جاهلوس و متملقی که در بیشتر زندگی بزرگان و خواص جامعه، حوادث تلخی را می‌آفرینند.
۴- آلوده‌شدن آقازادگان مفسد در فعالیت‌های اقتصادی سودآور، به دلیل بهره‌مندی آنان از آخرین اطلاعات تغییر و تحولات اقتصادی و آگاهی یافتن از مصوبات و تصمیمات کارگزاران حکومت در جزئی‌ترین امور و فریه شدن آنان از ثروت‌های حرام.
۵- زد و بند با گروه‌های مافیایی و مشترک‌شدن اهداف آنها با آقازادگان مفسد در جمع‌آوری ثروت و سود بیشتر و تبدیل آنها به عنوان رابط اخبار مجرمانه اقتصادی و سیاسی برای باندهای مافیایی و همچنین دلالی‌های گوناگون، نظیر خبرسانی و تأمین و تبدیل شدن آقازادگان مفسد به پل‌های ارتباطی پدران خود با دیگر گروه‌ها، باندها، حزب‌ها و قرار گرفتن آنها به‌عنوان فیلترها و واسطه‌هایی که خواسته‌های افراد و سلايق اشخاص را بر مبنای خواست و سلیقه پدرانشان تعدیل و سپس تفکرات و

<sup>[1]</sup> آقازاده‌ها و آقازاده مفسد یافت می‌شود، چیزی جز سیاهی و تباهی و فساد و ابتذال نیست که به واسطه مال‌های حرام و مادران ناپاک و پدران اسرافکار و جاهطلب و سوءاستفاده‌کننده از قدرت و بیت‌المال، به فرزندان و آقازادگان مفسدی تبدیل شده بودند

<sup>[2]</sup> او از مشهورترین آقازادگان مفسد بود. آنچه‌ا از زندگی این آقازاده‌ها و آقازاده مفسد یافت می‌شود، چیزی جز سیاهی و تباهی و فساد و ابتذال نیست که به واسطه مال‌های حرام و مادران ناپاک و پدران اسرافکار و جاهطلب و سوءاستفاده‌کننده از قدرت و بیت‌المال، به فرزندان و آقازادگان مفسدی تبدیل شده بودند